

۱۳۹۱/۱۲/۰۵

گفتاری از آیت الله ممدوحی

وارث علم و عمل علامه طباطبایی

گفتار زیر از **آیت الله حسن ممدوحی**، **استاد حوزه‌ی علمیه‌ی قم** درباره‌ی مراتب شخصیت علمی و اخلاقی مرحوم آیت الله خوشوقت است. این عضو مجلس خبرگان رهبری حدود ۵۰ سال با مرحوم آیت الله خوشوقت ارتباط نزدیک داشته است:

◆ سابقه‌ی آشنایی

مرحوم آیت الله خوشوقت، هم‌بحث و هم‌حجره‌ای آیت الله حاج آقا مجتبی حاج آخوند از علمای کرمانشاه بودند. حاج آقا مجتبی حاج آخوند تابستان‌ها به کرمانشاه می‌آمد و ما با ایشان آشنا بودیم. ایشان دو سال متوالی آیت الله خوشوقت را با خود به کرمانشاه آورد. آن زمان آیت الله خوشوقت هنوز مجرد بود و تابستان‌ها حدود یک ماه، یک ماه‌ونیم در کرمانشاه می‌ماندند. ما عده‌ای از رفقا بودیم که خدمت ایشان رسیدیم. وقتی من ایشان را دیدم، احساس کردم که وضعیت شخصیتی ایشان با همه فرق دارد. حتی یک جلسه‌ای هم خدمتشان رسیدیم و سؤالاتی را مطرح کردیم، اما آن جلسه به سکوت گذشت. ما تعجب کردیم که ایشان چطور آدمی است و کنجکاوی ما سبب شد که بیشتر دنبال ایشان برویم. گاهی آن‌چنان در فکر فرومی‌رفت که تمام بدنش می‌لرزید.

ایشان در ملاقات‌هایی که داشت، صحبتی نمی‌کردند، مگر خیلی مختصر. ما به سراغ حاج آقا مجتبی حاج آخوند رفتیم و ایشان گفتند که آقای خوشوقت از خواص علامه‌ی طباطبایی و از شاگردهای عملی ایشان هستند. از همین رو ما با تمام وجود با ایشان مرتبط شدیم. ایشان یک ماه کرمانشاه بود و رفت. وقتی ایشان رفت، این هیجان روحی با ما ماند. باور کنید ما روزشماری می‌کردیم که دوباره تابستان شود و ایشان دوباره بیاید. ایشان سال دیگر هم آمد و به واسطه‌ی ایشان، من شخصاً وارد طلبگی شدم و ایشان به سر من عمامه گذاشتند. اتفاقاً در حجره‌ی خود آقای خوشوقت مستقر شدم، چون ایشان آن سال ازدواج کرد و حاج آقا مجتبی به کرمانشاه آمد. ما سه نفر طلبه‌ای که از کرمانشاه آمده بودیم، به حجره‌ی آقای خوشوقت رفتیم. آقای خوشوقت متصدی کار ما بود و در هر هفته دو شب به قم می‌آمد و نقش پدری و تربیتی خویش را در خرد و کلان زندگی ما ایفا می‌کرد. حتی به

فقهی کتاب ما نگاه می‌کرد و از برخی کتاب‌ها سؤال می‌کرد. این را که ما با چه کسی درس برویم، با چه کسی مباحثه کنیم، چه درسی برویم و چه وقتی درس برویم، با ایشان مشورت می‌کردیم.

وقتی از علامه‌ی طباطبائی از آیت‌الله

خوشوقت سؤال کردیم، ایشان فرمود: «انصافاً آدمی

است که بر کارهای خود مسلط است و انسان مسلطی

است.» ایشان در شاگردی علامه‌ی طباطبائی در

عرفان عملی، به قله‌ی آن رسیده بود.

آن زمان ما با حاج‌آقا محسن خرازی هم‌بحث بودیم و با هم مکاسب می‌خواندیم. یک روز حاج‌آقا محسن به من گفت: حاج‌آقا محمد شاه‌آبادی پنجشنبه‌ها فلسفه می‌گوید، بیا با هم برویم. رفتیم. ایشان از کتاب منظومه، بحث اصالت وجود را

می‌گفت. روزی آقای خوشوقت آمدند و پرسیدند: چه کار می‌کنی؟ گفتم: با حاج‌آقا محسن به درس آقا محمد شاه‌آبادی می‌رویم. آقای خوشوقت گفتند: چه می‌خوانی؟ گفتم: منظومه. گفتند: بحث آن چیست؟ گفتم: أصالة الوجود. گفتند: «این وجودی که در فلسفه اصیل است، فوق‌التجرد است و در سراسر وجود، اصیل و واحد است.» این کدی که ایشان در فلسفه به من داد، تا امروز که حدود ۵۰ سال از آن روز می‌گذرد، برای من یک کد علمی و یک مبنای بسیار عجیبی در فهم مسائل فلسفی و حتی مسائل عرفانی شد.



روش ایشان همیشه این‌گونه بود که وقتی طرف را می‌دید و با او صحبت می‌کرد و او را برانداز می‌کرد، او را می‌شناخت و بر حسب حال و ظرفیتش صحبت می‌کرد. چند نفری بودیم که شب‌های جمعه پس از نماز مغرب و عشاء، چراغ‌ها خاموش بود و در تاریکی ایشان حدود نیم ساعت برای ما صحبت می‌کرد. همان صحبت‌ها بود که ما را آتش می‌زد و ما را نگه‌می‌داشت و بسیار عجیب بود. حتی گاهی ایشان می‌آمد و با هم پیاده به جمکران می‌رفتیم و برمی‌گشتیم.

ایشان از بهترین شاگردان مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود. یعنی از کسانی بود که وقتی سر درس می‌رفت، صد درصد درس را می‌فهمید. همچنین درس اصول امام خمینی رحمه‌الله‌علیه را هم رفته بود. ایشان در فقه و اصول قطعاً مجتهد بود. گاهی وقتی صحبتی می‌شد، آراء و نظرات خود را می‌گفت و نظرات ایشان بسیار دقیق و عمیق بود. آقای خوشوقت معتقد بود اگر کسی فلسفه نخوانده باشد، در فقه و اصول دچار اعوجاج ذهنی خواهد شد. خودش هم در درس فلسفه بسیار خوب بود. درس مرحوم علامه‌ی طباطبایی را رفته بود. علاوه بر این، آقای خوشوقت با علامه‌ی طباطبایی جلسات خصوصی تربیتی دوفره داشتند. ایشان دست‌پرورده‌ی علامه بود و در شاگردی علامه‌ی طباطبایی در عرفان عملی، به قله‌ی آن رسیده بود. حتی به این خاطر که در خدمت علامه باشد، به تهران رفت. وقتی ما از علامه‌ی طباطبایی سؤال کردیم که آیت‌الله خوشوقت چطور آدمی است؟ ایشان فرمود: «انصافاً آدمی است که بر کارهای خود مسلط است و انسان مسلطی است.» واقعاً هم ایشان همین‌طور بود. در اراده و در عزم، بی‌نظیر بود. یادم هست گاهی تابستان‌ها که به منزل ما تشریف می‌آورد، از اول شب تا صبح نماز شب را دو رکعت دو رکعت می‌خواند و بین نمازها استراحت می‌کرد. یعنی خواب پیوسته نداشت.

ایشان یک دور کامل بحارالانوار را دیده بودند. هر روایتی که در خدمت ایشان صحبت می‌شد، ایشان دیده بودند. تمام کتب اربعه مثل اصول کافی و وسائل و روایات آن‌ها را خوانده و یک دوره اجتهاد تمام‌عیار کرده بود. یک دوره فقه را دیده بود. به المیزان و تفاسیر کاملاً مسلط بود. به علم رجال بسیار آشنا بود. جالب‌تر این‌که ایشان به تاریخ اسلام هم تسلط داشت. انحراف‌ها و اعوجاج‌های تاریخی را می‌فهمید و به‌خوبی تاریخ را تحلیل می‌کرد و نکات بسیار عجیب و لطیف تاریخی را آگاه و آشنا بود. این مرد تخصص‌های فراوان و خوبی داشت.

یکی از خصائص آیت‌الله خوشوقت این بود

که نسبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام بسیار شدیدالعلاقه بود و

به حضرات معصومین عشق می‌ورزید. به طوری که

ختم صلوات ایشان هر جمعه تا همین اواخر برقرار بود.

ختم صلوات‌هایی که جوانان بسیاری خدمت ایشان

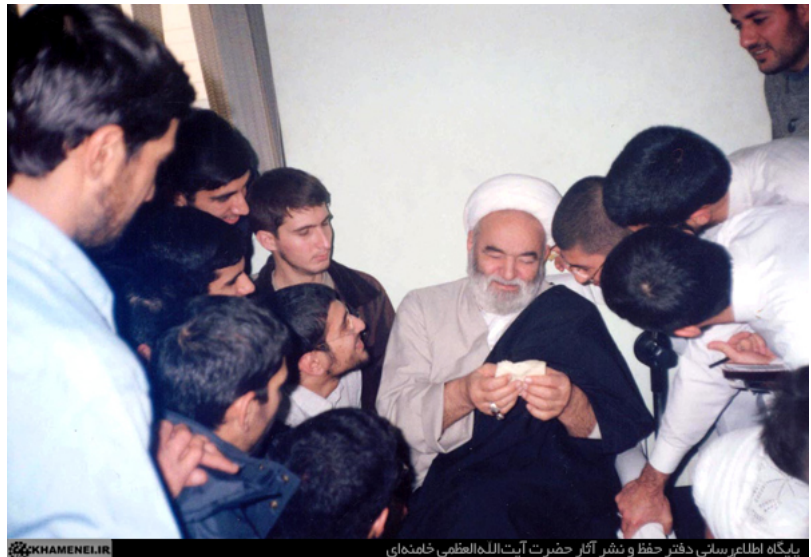
جمع می‌شدند.


 کارهای ایشان را احدی نمی‌فهمید

تنها کاری که ما از ایشان خواستیم و انجام نداد، این بود که هیچ چیزی ننوشت. می‌فرمود که من تا به حال قلم روی کاغذ نگذاشته‌ام. واقعیت این بود که ایشان در کتاب تکوینی خود کار

می‌کرد و با کتاب تدوینی کاری نداشت. من در عرض چهل، پنجاه سال که با آقایان علما ارتباط داشته‌ام، مثل آیت‌الله خوشوقت را ندیده‌ام. در این ۵۰ سال که خدمتشان بودیم، هرچه می‌گذشت، تقوای بیشتر، علم بیشتر، درایت بیشتر و معنویت بیشتر را در ایشان حس می‌کردیم. ایشان برکتی از برکت‌های سیاره‌ی زمین بود. مشکلاتی که به واسطه‌ی ایشان حل می‌شد، بسیار بود.

آیت‌الله خوشوقت شخصیتی بود که ما در خُرد و کلان زندگی خود با ایشان مشورت می‌کردیم. مشکلاتی از ما را به راحتی حل می‌کرد که هیچ‌کس قادر به حل آن مشکلات نبود. ایشان پیشامدهای روحی افراد را تجزیه و تحلیل می‌کرد. این کارها کار همه‌کس نبود و آقای خوشوقت این توان را از علامه طباطبایی گرفته بود.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

از عجایب آیت‌الله خوشوقت، اخلاص ایشان بود. کارهای ایشان را احدی نمی‌فهمید و مطلع نمی‌شد. فوق‌العاده کتوم بودند. یک روز به ایشان گفتم که می‌خواهم ناهار منزل شما بیایم. گفت بیا برویم. یک لیوان شیر خنک و مقداری نان بیات برای من آورد. خود ایشان هم از همان خورد. گاهی می‌دیدم که کنار دست ایشان یک پاکت یا کیسه‌ای نان خشک است. زمانی به من گفتند که من خشن‌خور هستم. منظور همان نان خشک بود که گاهی می‌خورد، ولی همین انسان اگر میهمان کسی بود طور دیگری رفتار می‌کرد. در واقع ایشان زهد خود را پنهان می‌کردند.

ختم صلوات

یکی از خصائص آیت‌الله خوشوقت این بود که نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام بسیار شدیدالعلاقه بود و به حضرات معصومین عشق می‌ورزید. به طوری که ختم صلوات ایشان هر جمعه تا همین اواخر برقرار

بود. ختم صلوات‌هایی که جوانان بسیاری خدمت ایشان جمع می‌شدند. من یکی دو بار بیشتر به آن ختم صلوات نرفته بودم، اما می‌گفتند که جمعیت آن زیاد بود. زیارات ایشان هم ترک نمی‌شد. همین‌ها اخیراً ایشان گفته بود که «۵۰ سال است که در مسجد ما روضه خوانده می‌شود و روضه‌ی حضرت رقیه سلام‌الله‌علیها خوانده می‌شود و ما به وسیله‌ی آن‌ها زنده هستیم.»



ایشان از مریدان امام خمینی بود. معرفتی که ایشان به امام خمینی داشت، ممتاز بود. ایشان با امام خمینی ارتباط روحی داشت و می‌دانست که مراتب روحی و علمی حضرت امام در چه حدی بود. اولاً امام خمینی استاد ایشان بود و ایشان می‌دانست که مراحل علمی امام چقدر بوده. ثانیاً یکی از تخصص‌های فوق‌العاده‌ی امام خمینی عرفان بود. امام فوق تخصص عرفان بودند و در عرفان عملی هم پیش بودند و آیت‌الله خوشوقت این نکته را می‌دانست. بر اساس اندیشه‌ی حضرت امام که آیت‌الله خوشوقت نیز به آن معتقد بود، این حرکت‌های سیاسی و انقلابی بر اساس آن جهت معنوی و خدایی شکل می‌گرفت. یعنی نگاه الهی آنان هدایت‌گر نظام سیاسی بود. آیت‌الله خوشوقت با سعه‌ی وجودی خاصی حرکت می‌کرد و همه چیز را می‌شناخت و لذا حمایت ایشان از انقلاب فوق‌العاده بود.

پس از حضرت امام، رهبر معظم انقلاب هم ایشان را شناختند. یعنی ایشان دانستند که وارث علم و عمل علامه‌ی طباطبایی، آیت‌الله خوشوقت است. معمولاً از آیت‌الله خوشوقت دعوت می‌کردند و نظرات ایشان برای رهبر انقلاب در خیلی جاها کمک بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به ایشان عنایت خاصی داشتند.